

داعش خراسان؟

کورش احمدی

حملات روز پنجشنبه در کابل، دینامیسم پیچیده بین طالبان، شبکه حقانی و القاعده از یکسو و رقیبشان یعنی «داعش خراسان» از سوی دیگر را آشکار کرد. فرمانده امریکایی سنتکام بعد از این حملات تهدید داعش خراسان را «به شدت واقعی» توصیف کرد و مشاور امنیت ملی بایدن نیز یکشنبه گذشته گفته بود که تهدید داعش «شدید» و «مستمر» است. این جنایات هولناک نشان داد که از این پس تا چه حد افغانستان ممکن است به عرصه درگیری بین این گروه‌ها تبدیل شود. گروه داعش در جریان تلاش برای ایجاد یک «خلافت اسلامی»، در جهت تقسیم جهان اسلام به ولایات متعددی نیز تلاش کرده است. «ولایت خراسان» یکی از ولایات ادعایی «خلافت» داعش است که در سنت متقدم اسلامی به منطقه وسیعی مرکب از آسیای جنوبی تا آسیای مرکزی، بخش‌هایی از ایران و ترکستان چین امروز اطلاق می‌شده است.

داعش این ولایت را در ژانویه 2015 ایجاد کرد و دو تروریست را که قبلاً در زمره سران طالبان پاکستان (حافظ سعیدخان) و طالبان افغانستان (عبدالرئوف علیزا) بودند، به عنوان امیر و نایب امیر این «ولایت» معرفی کرد. حافظ سعیدخان در مصاحبه‌ای که در نشریه دابق، ارگان رسمی داعش، (شماره 13، ربیع‌الآخر 1437 هـ ق) منتشر شد، گفته بود که این مناطق قبلاً تحت حکومت مسلمانان قرار داشته و بعداً سکولاریست‌ها، گاوپرستان هندو و کفار چینی این مناطق، از جمله کشمیر و ترکستان، را فتح کردند.

وی در این مصاحبه، از مناطق تحت کنترل داعش خراسان در افغانستان و پاکستان به عنوان «دروازه‌ای برای گسترش قلمرو خلافت» اسم برده بود. وی اضافه کرده بود که دولت‌های پاکستان و افغانستان و «سازمان‌هایی مانند طالبان و لشکر طیبه که آنها ایجاد کرده‌اند، مانع گسترش خلافت هستند.»

وی دولت پاکستان را متهم به سوءاستفاده از این گروه‌ها برای «منافع حقیر خود و نه برقراری قانون‌الله روی زمین» کرد. برخلاف القاعده که اولویت را به مبارزه با امریکا می‌دهد، داعش از ابتدا مدعی «تلاش برای اجرای قانون خدا روی زمین» بوده و به این بهانه

قصد تصرف قلمرو و استقرار خلافت را داشته است. این هدف موجب شده تا خون هر کس و افراد هر حکومتی که حاضر به بیعت با داعش و پذیرش رهبری داعش نباشد، حلال اعلام شود. این امر موجب شد تا افراد و قبایل و گروه‌ها و دولت‌های سنی به هدف‌های اولیه این گروه تبدیل شوند.

به همین دلیل، داعش حتی گروه‌های افراطی سنی تروریستی مانند طالبان پاکستان و افغانستان، لشکر طیب، القاعده و... را مرتد و محدودالدم می‌داند. اختلاف داعش خراسان با طالبان و القاعده هم برسر قلمرو و منابع است و هم برخی ابعاد ایدئولوژیک دارد. داعش این گروه‌ها را متهم می‌کند که عقایدشان به شرک آلوده است؛ چرا که در پی افزایش مشروعیت خود از طریق علقه‌های قومی، ملی و قبیله‌ای هستند و اسلام‌شان خالص نیست.

امریکا در اوت 2016 اعلام کرد که حافظ سعیدخان را در یک حمله پهپادی کشته و عبدالحصیب، جانشین او را نیز در آوریل 2017 در یک عملیات نظامی در ننگرهار افغانستان به قتل رسانده است. در همین دوره، امریکا همچنین از استفاده از بمب‌های بزرگ سنگر شکن علیه غارهای محل تجمع داعش در ننگرهار خبر داد.

گفته می‌شود که بعد از مرگ حصیب، داعش خراسان 4 رهبر دیگر نیز داشت که همگی در جریان درگیری‌ها کشته یا اسیر شدند. در حال حاضر، شهاب‌المهاجر که یک عرب است و سابقاً عضو القاعده بوده، رهبری داعش خراسان را بر عهده دارد. انتصاب یک عرب به ریاست داعش خراسان می‌تواند به خاطر احتراز از رقابت‌ها و دعوای قومی و قبیله‌ای بین اعضای محلی این گروه باشد و همچنین هدف جذب تروریست‌های خارجی بیشتر به افغانستان را دنبال کند. به علاوه، المهاجر می‌تواند از سابقه کار در القاعده برای جذب نفرات از القاعده نیز استفاده کند.

داعش خراسان سابقه جذب نیرو از القاعده و طالبان در گذشته را دارد و این روند بعد از موافقتنامه طالبان و امریکا در فوریه 2020 و متهم کردن طالبان به سازشکاری می‌تواند تشدید شده باشد. به گزارش کمیته تحریم شورای امنیت مورخ ژوئیه 2020 روند عزیمت تروریست‌های خارجی به افغانستان طی سه سال گذشته تسریع شده است. همین کمیته در گزارش بعدی خود (ژوئیه 2021) شمار اعضای داعش در شرق و شمال افغانستان را حدود 2000 نفر برآورد کرده که به دلیل از دست دادن قلمرو و نفرات به تمرکززدایی روی آورده‌اند. این

گزارش بر آن است که شمار اعضای داعش خراسان در اثر ضرباتی که متحمل شده، نسبت به 2016 تقریباً نصف شده است. مقامات امریکایی نیز می‌گویند که عملیات داعش در افغانستان در 4 ماه اول 2021 نسبت به مدت مشابه در سال گذشته به‌شدت افزایش یافته و از 21 مورد به 77 مورد افزایش یافته است.

اکنون سوال این است که آیا این گروه با توجه به خارج شدن امریکا و ارتش افغانستان از صحنه و درگیر شدن طالبان با مسائل عظیم داخلی و احیاناً یک جبهه مقاومت داخلی فرصت بیشتری برای بسط قدرت خود خواهد یافت یا خیر. سوال دیگر این است که آیا طالبان به تنهایی قادر به غلبه بر داعش خواهد بود و آیا توانایی اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی لازم برای این منظور را خواهد داشت یا خیر. مشکل دیگر می‌تواند این باشد که طالبان به خاطر رقابت گروه‌های افراطی‌تر اساساً قادر به کاستن از میزان افراطی‌گرایی‌اش نشود.

سوال مهم این است که آیا می‌توان حملات پنجشنبه را یک ضربه استراتژیک به طالبان که مدعی داشتن توان لازم برای امن کردن افغانستان هستند، دانست. شک نیست که این حملات و قتل شمار زیادی سرباز امریکایی بر وجهه داعش خراسان بین افراط‌گرایان خواهد افزود و ممکن است به داعش برای جذب نفرات و منابع بیشتری نیز کمک کند.

□□□□□□ □□□□□□ 6 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ 1400 □□□□□□